



مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: معماری ترم: اول سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: جامعه شناسی عمومی نام و نام خانوادگی مدرس: مرضیه ذوالفقاری

آدرس email مدرس: marzieh.zolfaghari@gmail.com تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۹۳۰۴۱۸۹

جزوه درس جامعه شناسی عمومی مربوط به هفته : چهارم ■

text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■

تلفن همراه مدیر گروه: ۰۹۱۹۴۴۲۰۰۴

پرسش های جامعه‌شناختی

وظیفه پژوهش جامعه‌شناختی این است که از درک سطحی زندگی عادی فراتر برود. پژوهش خوب باید به ما یاری کند تا درک تازه‌ای از زندگی اجتماعی به دست آوریم. پژوهش خوب باید مایه شگفتی ما شود، هم به لحاظ پرسش‌هایی که مطرح می‌کند و هم به لحاظ یافته‌هایی که به آن‌ها می‌رسد.

مسائلی که جامعه‌شناسان در نظریه پردازی‌ها و پژوهش‌های خویش با آن‌ها سروکار دارند، غالباً شبیه مسائلی است که موجب دغدغه و نگرانی نیز می‌شود اما نتایج پژوهش جامعه‌شناختی اغلب بر خلاف عقاید متعارف و عقل سلیم ما است.

گروه‌های اقلیت در چه اوضاع و شرایطی زندگی می‌کنند؟ چگونه ممکن است در این دنیایی که بسیار ثروتمندتر از گذشته است، گرسنگی انبوه و توده‌ای وجود داشته باشد؟ استفاده فزاینده از فناوری اطلاعات چه آثار و نتایجی بر زندگی ما خواهد داشت؟ آیا خانواده به عنوان یک نهاد، در حال فروپاشی است؟

جامعه‌شناسان می‌کوشند برای این مسائل و بسیاری از مسائل دیگر پاسخ‌های بیابند. یافته‌های آن‌ها هرگز قطعی و نهایی نیست. با این حال پژوهش و نظریه پردازی جامعه‌شناختی همیشه این هدف را دنبال می‌کند که از روش حدس و گمان و خیال‌اندیشی که معمولاً مردم عادی در قبال چنین پرسش‌هایی اتخاذ می‌کنند، هر چه بیشتر فاصله بگیرد. در پژوهش‌های خوب جامعه‌شناختی تلاش بر این است که پرسش‌ها تا حد امکان صریح و دقیق شوند و پیش از هر گونه نتیجه‌گیری، شواهد و مدارک واقعی درباره این پرسش‌ها جمع‌آوری شوند. برای دستیابی به این



اهداف ما باید سودمندترین روش‌های پژوهش برای مطالعه معین را بشناسیم و بدانیم که بهترین راه تحلیل نتایج پژوهش کدام است.

برخی از پرسش‌هایی که جامعه‌شناسان در مطالعات پژوهشی خود مطرح می‌کنند، عمدتاً از نوع پرسش‌های واقعی هستند. برای مثال بسیاری از جنبه‌های جرم و نظام کیفری مستلزم پژوهش‌های مستقیم و نظام مند جامعه‌شناسی است. بنابراین شاید بپرسیم که کدام یک از صور جرم رایج تر از بقیه‌اند؟ چه نسبتی از کسانی که مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند توسط پلیس دستگیر می‌شوند؟ چه تعداد از افرادی که دستگیر می‌شوند، سرانجام گناهکار شناخته می‌شوند و به زندان می‌روند؟

اینگونه پرسش‌های واقعی غالباً مستلزم پژوهش‌های بسیاری است.

مسئله اطلاعات مبتنی بر واقعیت درباره یک جامعه نمی‌تواند مشخص کند که آیا ما با مورد نامعمول و منحصر به فردی سروکار داریم یا با وضعیتی بسیار عادی و عمومی. جامعه‌شناسان غالباً مایل به مطرح ساختن پرسش‌های تطبیقی هستند که یک متن و زمینه اجتماعی را در مقایسه با متن و زمینه‌ای دیگر بررسی می‌کند. یا نمونه‌هایی از جوامع مختلف را با یکدیگر مقایسه می‌کند. برای مثال، تفاوت‌های بسیاری بین نظام اجتماعی حقوقی بریتانیا و ایالات متحده وجود دارد. نمونه یک پرسش تطبیقی می‌تواند چنین باشد: الگوهای رفتار مجرمانه و اجرای قانون در این دو کشور چه تفاوتی دارند؟

در جامعه‌شناسی ما نه فقط نیازمند نگرستن به جوامع فعلی در قیاس با یکدیگر هستیم، بلکه باید وضعیت حال و گذشته هر یک از آن‌ها را نیز مقایسه کنیم. این جاست که جامعه‌شناسان پرسش‌های تکوینی را مطرح می‌کنند. ما برای درک ماهیت جهان مجبور هستیم که به صورت‌های پیشین جامعه توجه کنیم و سمت و سوی اصلی فرایندهای تغییر را تحلیل کنیم. بدین ترتیب می‌توانیم به عنوان مثال تحقیق کنیم که نخستین زندان‌ها چگونه ایجاد شدند و امروز چه مشخصاتی دارند.



دنبال کردن پرسش‌های مبتنی بر واقعیت - که جامعه شناسان معمولاً ترجیح می‌دهند آن‌ها را تحقیقات تجربی بنامند - به معنای سروکار داشتن با چگونگی رخ دادن امور است. با این حال، جامعه شناسی فقط در برگیرنده گردآوری واقعیات نیست. هر قدر هم که این واقعیات مهم و جالب باشند، ما نیازمند تفسیر کردن معنای واقعیات‌ها هستیم و برای این کار باید بیاموزیم که پرسش‌های نظری را مطرح کنیم.

بسیاری از جامعه شناسان اساساً روی پرسش‌های تجربی کار می‌کنند اما اگر پژوهش آن‌ها با نوعی دانش نظری هدایت نشود، بعید است که آموزنده و روشنگر باشد. این نکته حتی درباره پژوهش‌هایی که اهداف کاملاً عملی و کاربردی دارند نیز صادق است.

آیا جامعه شناسی علم است؟

دورکیم، مارکس و سایر بنیانگذاران جامعه شناسی، آن را علم تلقی می‌کردند. اما آیا واقعا می‌توان زندگی اجتماعی آدمی را به شیوه‌ای علمی مطالعه کنیم؟ علم به معنای کاربرد روش‌های نظام مند تحقیق تجربی، تحلیل داده‌ها، تفکر نظری و ارزیابی منطقی استدلال‌های گوناگون است تا پیکره‌ای از معرفت نسبت به موضوع معینی پرورانده و بسط داده شود. طبق این تعریف، جامعه شناسی علم است چون شامل روش‌های نظام مند تحقیق تجربی، تحلیل داده‌ها و ارزیابی نظریه‌ها در پرتو شواهد تجربی و استدلال منطقی است.

با این حال، مطالعه انسان‌ها با مشاهده وقایع دنیای مادی تفاوت دارد و جامعه شناسی را نباید مستقیماً شبیه علوم تجربی قلمداد کرد. انسان‌ها برخلاف اشیای طبیعت موجودات خودآگاهی هستند که به کردارهای خویش معنا و هدفی نسبت می‌دهند. ما حتی نمی‌توانیم توصیف درستی از زندگی اجتماعی به عمل آوریم مگر اینکه ابتدا مفاهیم و معناهایی را درک کنیم که مردم در رفتار خویش به کار می‌بندند. برای نمونه وقتی مرگی را خودکشی توصیف می‌کنیم به این معناست که می‌دانیم شخص مورد نظر چه قصد و منظوری داشته است. خودکشی فقط هنگامی می‌تواند رخ دهد که فردی قصد نابودی خویش را فعالانه در سر پرورانده باشد. کسی که تصادفاً جلو اتومبیلی می‌



رود و کشته می شود مرتکب خودکشی نشده است.

مطالعه جامعه به دلیل دیگری هم با مطالعه جهان طبیعی تفاوت دارد. ما از گذر کنش ها و رفتارهایمان پیوسته در حال آفرینش و بازآفرینی جوامعی هستیم که در آنها زندگی می کنیم. جامعه پدیده ایستا و یا بی تغییری نیست، نهادهای اجتماعی از طریق کنش ها و رفتارهای تکراری افراد دائما در حال بازتولید شدن در زمان و مکان هستند.

جامعه شناسی با مطالعه موجودات بشری سروکار دارد نه با اشیای ثابت و ایستا. بنابراین رابطه میان جامعه شناسی و موضوع مطالعه اش، ضرورتا با رابطه میان دانشمند طبیعی و جهان مادی متفاوت است. موجودات انسانی این توانایی را دارند که دانش اجتماعی را بفهمند و در برابر آن واکنش نشان دهند، به طریقی که عناصر دنیای طبیعت قادر به آن نیستند. به همین لحاظ است که جامعه شناسی می تواند در مقام نیروی رهایی بخش قدرتمندی عمل کند.

این واقعیت که ما نمی توانیم موجودات انسانی را درست همانند اشیای طبیعت مطالعه کنیم از جهاتی مزیتی برای جامعه شناسی محسوب می شود. پژوهشگران جامعه شناس از این مزیت برخوردار هستند که می توانند از موضوع مطالعه خویش - انسان های دیگر - مستقیما پرسش کنند.

از طرف دیگر، جامعه شناسی دارای دشواری هایی است که علوم طبیعی با آنها مواجه نیست. مردمی که می دانند فعالیت هایشان تحت نظارت و بررسی قرار دارد، رفتار طبیعی و همیشگی خود را نخواهند داشت. ممکن است که آنها آگاهانه و عمدانه خود را بصورتی نشان دهند که با رفتارهای معمول آنها تفاوت دارد. حتی شاید تلاش کنند با دادن پاسخ هایی که خیال می کنند مورد پسند پژوهشگر است، به او کمک کنند.